

فصلنامه علمی - تخصصی اسلام پژوهان  
سال هفتم، شماره پانزدهم، تابستان ۱۳۹۹

## علل پیدایش انشعابات شیعه بعد از امام رضا علیه السلام تا اواخر غیبت صغری

هادی شمس آبادی \*

### چکیده

همه مذاهب و فرق در طول حیات سیاسی و فرهنگی خود دارای یک سری انشعابات بوده‌اند و مذهب شیعه هم از این مقوله مستثنی نبوده است و به جهت فراهم بودن شرائط انحرافی حتی در زمان حیات ائمه، شاهد فرقه‌های جدید از زمان امام سجاد علیه السلام به بعد در جامعه شیعه هستیم که مهم‌ترین آنها فرقه اسماعیلیه و زیدیه و واقفیه بودند. از سویی بعد از شهادت امام رضا علیه السلام شرائطی در جامعه بوجود آمد که زمینه بروز انحرافات فرقه ای را در جامعه مساعدتر می‌نمود. البته حضور ائمه علیهم السلام در متن جامعه مانع از گسترش و پیشرفت این فرقه‌ها می‌شد؛ زیرا از ویژگی‌های دوره حضور ائمه راهنمایی مردم به سوی حق و دوری از انحرافات بوده اما در دوره غیبت امام زمینۀ پدید آمدن و گسترش جریان‌های انحرافی توسعه یافت. این نوشتار در پاسخ به این پرسش است که چه عواملی بر فرایند شکل‌گیری انشعابات انحرافی شیعه بعد از امام رضا علیه السلام تا غیبت صغرا تاثیرگذار بوده است؟

واژه‌های کلیدی: شیعه، انشعابات، فرق، تقیه، غالیان.

## مقدمه

قرآن کریم به عنوان وحی الهی برخاتم انبیاء حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مهم‌ترین منبع شریعت می‌باشد لذا در طول تاریخ متفکران و دانشمندان بزرگی از گروه‌ها و فرقه‌های مختلف این کتاب الهی را تفسیر و تبیین کرده‌اند و تفاوت‌هایی را بر گرفته از اصول و مبانی اتخاذ کرده‌اند. از سویی مشکلات قرآنی در زمان حیات پیامبر کمتر وجود داشت؛ زیرا در صورت بروز مشکل یا اختلافی در تفسیر آیات، با مراجعه به آن حضرت در کمال سهولت حل و فصل می‌گردید. در دوران صحابه تقریباً اتحاد نسبی در عقاید و آراء مسلمین در مورد قرآن و سنت وجود داشت؛ اما بعد از زمان صحابه با کنار گذاشتن ائمه علیهم السلام از سوی حاکمان وقت، این اتحاد موجب تفرقه و پیدایش فرق مختلف در جامعه اسلامی شد این به خاطر تفاوت برداشتها از قرآن بود. بعد از این اتفاقات (رحلت پیامبر و کنار گذاشتن ائمه) اوضاع و شرائط دگرگون شد، افرادی که دچار انحرافات فکری و یا هنوز افکار فاسد دوران جاهلیت را در سر داشتند، بعد از رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با استفاده از امکانات و شرائط، از آیات استفاده کردند و فرصتی را برای ابراز مقاصد شوم و بدعت‌های ناروای خود پیدا کردند. آنها با ایجاد انحرافات فکری و عقیدتی بین مردم باعث هرج و مرج فکری و عقیدتی و فسادهای فرهنگی و دینی و اجتماعی شدند. بدین ترتیب زمینه‌ای مساعد برای ظهور هر نوع انحراف و بدعت فراهم آمد. علل ظهور جریانات فکری و عقیدتی و فرقه‌ها، می‌توان به آیات متشابه در قرآن که از حیث ظاهر با هم متعارض و ناهماهنگ بودند، اختلاف سلیقه در برداشت آیات و... اشاره کرد. از سوی بسیاری از فرق مذاهب برای تایید مذهب خویش، آیات به ظاهر متناقض را هرگونه که می‌خواستند تاویل و تفسیر می‌کردند و این امر باعث بروز جریانات تاویلی در بین دانشمندان مذاهب شد.

همچنین عامل دیگر در پیدایش فرقه ها، گسترش فتوحات اسلامی و علاقه حاکمان و دولتمردان اسلامی به علوم مختلف و وارد شدن علوم جدید به حوزه دنیای اسلام بود که سبب شد که علوم دیگر مانند فلسفه به زبان عربی ترجمه شده و کم و کم وارد ادبیات و علوم اسلامی شود و جایگاه ویژه ای پیدا کند که نتیجه آن شیوع عقاید و افکار ضد دینی و فرهنگ دیگر جوامع دینی و غیر دینی در بین مسلمانان بود. از مسائلی که اذهان پژوهشگران را به خود مشغول کرده علل و انگیزه‌های پیدایش این فرقه هاست و مذهب تشیع همانند دیگر مذاهب در طول حیات سیاسی و فرهنگی خود دارای انشعابات بوده و هر یک از این انشعابات را می‌توان گونه ای از تشیع دانست که در بستر تفکر شیعی به معنای عام آن بوجود آمده‌اند. با وجود اینکه ائمه اطهار علیهم السلام در بطن جامعه بودند و براهین و معجزات برای اثبات حقانیت خود آوردند و تفکر شیعه اثنی عشر را در جامعه زنده نگه داشتند؛ با این حال یک سلسله علل و عواملی باعث شد حقیقت بر بعضی از شیعیان مشتبه و از راه مستقیم منحرف شوند. در صورتی که هر کدام از ائمه معصومین علیهم السلام با تلاش فراوان در عصر امامتشان، اساس شیعه اثنی عشری را ثابت نگه داشته و دیگر انشعابات شیعه را تا حدودی به حاشیه راندند. در این مقاله با تکیه بر آثار تاریخی، به بررسی مهم‌ترین علل به وجود آمدن فرق بعد از امام رضا علیه السلام می‌پردازیم.

شیعه: در لغت از ماده «شَیْع» به معنای مشایعت، پیروزی، شجاعت، دسته و گروه است. شیعه به گروهی گفته می‌شود که بر یک امر اتفاق نظر دارند و هر قومی که هدف واحدی داشته، عده‌ای از آنها دیگری را تبعیت کنند، شیعه هستند.<sup>۱</sup> واژه اصطلاحی شیعه، کاربرد عام و خاص دارد. به‌طور عام، اصطلاح شیعه به یاران و دوستان امام علی علیه السلام و فرزندان او اطلاق می‌شود. ابن خلدون

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۲۵۸

می‌گوید: «شیعه در لغت عبارت است از یاران و پیروان و در عرف فقها و متکلمان گذشته و حال، به پیروان علی علیه السلام و فرزندان او اطلاق می‌شود».<sup>۱</sup>

**غالی:** غلو در برخی از کتب لغت، بر وزن فعول، مصدر فعل «غلی یغلو» به معنای افراط، بالا رفتن و تجاوز از حد معرفی شده است.<sup>۲</sup> در اصطلاح با توجه به کاربرد آن در علوم مختلف اسلامی مانند رجال و ملل و نحل و کلام، تعاریف متعددی شده، لذا نمی‌توان به تعریف مشخص و جامعی رسید.<sup>۳</sup>

تقیه در لغت بمعنی نگهداری خود از صدمه دیگری، از راه ابراز موافقت در گفتار یا رفتار کسی که مخالف حق را می‌گویند.<sup>۴</sup> در اصطلاح عبارت است از اظهار خلاف واقع، که در موارد متعددی مانند هنگام ترس بر جان ممکن است واقع گردد. شیخ مفید درباره تقیه این تعبیر را بکار می‌برد: «پنهان کردن حق و پوشاندن اعتقاد به آن در برابر مخالفان به منظور اجتناب از ضرر دینی و دنیایی».<sup>۵</sup>

**فرق:** عبارت است از جنبش‌های نوپدید دینی. یا سایر گروه‌هایی است که اعتقادات آن‌ها یا رفتارهایشان از نظر عموم مردم غیرعادی یا غریب محسوب می‌شود.<sup>۶</sup> از لغت فرقه به عنوان ابزاری برای تخریب علیه گروه‌هایی استفاده می‌شود که اعتقادات یا رفتارهایی غیر منطقی دارند.

### گفتار اول: انشعابات شیعه بعد از امام رضا علیه السلام

ائمہ اطهار علیهم السلام از راههای مختلف با معجزات یا براهین گوناگون حقانیت خود را به مردم نشان می‌دادند؛ ولی با این حال وجود اختلافات و فرقه

۱. ابن خلدون، تاریخ، ج ۱، ص ۲۴۶.

۲. راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، ص ۳۶۵.

۳. شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۲۸۸.

۴. تقیه، علی بن مهزیار، ص ۳۷.

۵. مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۳۷.

۶. پل ویلم ژان، جامعه شناسی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، تبیان، ۱۳۷۷.

گرایی در میان شیعیان پدیده ای غیر قابل انکار بوده که در تاریخ اسلام به منصفه ظهور پیوسته است، همچنین این پدیده مانند هر پدیده دیگری ناشی از یک سری علل و عوامل خاصی بوده که بعد امامت هر کدام از ائمه و خصوصاً بعد از امام رضا علیه السلام بوجود آمدند. در این بخش به برخی از این فرقه‌های مهم که در طول تاریخ اسلامی بعد از امام بوجود آمده‌اند، می‌پردازیم.

**احمدیه:** گروهی که اعتقاد به امامت احمد بن موسی کاظم علیه السلام پیدا کردند، این گروه پس از امام رضا علیه السلام قائل به امامت احمد بن موسی شدند و گفتند که وی را خود موسی بن جعفر علیه السلام به امامت پس از امام رضاعلیه السلام برگزیده است، اعتقادات آنان مشابه با عقاید قطحیه است، برخی هم نوشته‌اند که چون امام رضا علیه السلام به شهادت رسید فرزندی وی امام جواد علیه السلام خردسال بود و به سن بلوغ نرسیده بود و این گروه گفتند که وی چون بالغ نیست نمیتواند امام باشد<sup>۱</sup> و اگر خداوند بخواهد مردم را به پیروی از کودکی غیر بالغ امر کند، لازم می‌آید که نابالغی را مکلف کند و تکلیف کردن نابالغ بر خداوند قبیح است و همچنین نابالغ نمی‌تواند داوری بین مردم را بکند و از فهم دقیق احکام و... ناتوان است.<sup>۲</sup> و در مقابل برخی شیعیان قائل شدند که امام علیه السلام چون حجت خداوند در روی زمین است، در امامت بلوغ شرط نیست و در این مورد به سرگذشت عیسی بن مریم و داستان آن کودک که میان یوسف بن یعقوب و زلیخا و عزیز مصر داوری کرد، استناد می‌کنند.<sup>۳</sup>

**محدّثه:** از دیگر فرقی که بعد از امام رضا علیه السلام در کتاب‌های فرق نام برده شده است، فرقه محدّثه می‌باشد. این گروه به دلیل عقاید خاصی که در زمینه کلام اسلامی دارند به این نام معروف شده‌اند. این گروه در زمان امامت امام

۱. همان، فرق الشیعه، ص ۸۵ - ۸۸، اشعری قمی، مقالات والفرق، ص ۹۳.

۲. همان، مقالات والفرق، ص ۹۳.

۳. همان، فرق الشیعه، ص ۹۷-۹۹، همان، مقالات والفرق، ص ۹۴.



موسی کاظم علیه السلام به امامت علی بن موسی الرضا علیه السلام متمایل شدند؛ اما بعد از شهادت امام رضا علیه السلام به اعتقادات خویش بازگشتند. این گروه عقیده به رجاء داشته، از اصحاب حدیث بشمار می‌روند و لذا به این نام معروف شده‌اند.<sup>۱</sup>

**نصریه:** گروه اندک از شیعیان بودند که در روزگار علی بن محمد الهادی علیه السلام به امامت او گرویده، ولی پس از شهادت ایشان، به پیامبری مردی که محمد بن نصیر نمیری نام داشت معتقد شدند. وی مردم را به پیغمبری خویش می‌خواند و می‌گفت امام ابو الحسن عسکری علیه السلام او را به اینکار انتخاب کرده است. این گروه عقاید خاصی از جمله اعتقاد به تناسخ، زناشوئی محارم، نزدیکی کردن با مردان و کام گرفتن مردان از هم را جایز می‌دانستند و می‌گفتند: این کار نوعی خدمتگذاری بشمار می‌رود و جزء خوشگذرانی‌های نیک است.<sup>۲</sup>

**رضویون:** گروهی از پیروان امام علی بن محمد الهادی علیه السلام بودند که بعد از شهادت ایشان به فرزندش جعفر بن علی پیوستند. جعفر بن علی معروف به جعفر کذاب، برادر امام حسن عسکری علیه السلام است که بعد از رحلت برادرش، به دروغ ادعای امامت کرد و چون فرزند امام عسکری علیه السلام بود عده ای به همین دلیل فریب خورده و امامت امام زمان علیه السلام را منکر شدند و قائل به امامت جعفر بن علی شدند. جعفر بن علی ملقب به «کرین» بود؛ زیرا یکصد و بیست پسر از اعقاب وی بودند. در علت نامگذاری این گروه به رضویون بیان کرده‌اند که چون چشمان جعفر بن علی شبیه به چشمان حضرت رضا علیه السلام بود لذا به ایشان رضویون می‌گفتند. اما با این حال کاری از پیش نبرد و در سال ۲۷۱ ه.ق در ۴۵ سالگی وفات کرده و قبرش در خانه پدرش در سامراء است.<sup>۳</sup>

۱. همان، فرق الشیعة، ص ۹۵.

۲. همان، ص ۱۰۲ و ۱۰۳.

۳. اشعری قمی، مقالات والفرق، ص ۲۴۹.



**شریعیّه:** از دیگر فرق شیعه، فرقه شریعیّه است. این فرقه از غلات حولیه اصحاب ابو محمد حسن شریعی است که از یاران امام محمد تقی و امام حسن عسکری (علیهم السلام) بشمار می رفتند. او نخستین کسی است که پس از شهادت امام یازدهم علیه السلام ادعای بابیت کرد<sup>۱</sup> و از سوی امامان علیهم السلام و پیروان آنها به الحاد و کفر منسوب شد. چنانچه توقیعی از سوی حضرت مهدی (عج) در لعنش به دست نایب سومش صادر شد.<sup>۲</sup>

**نفیسیه:** از دیگر فرق شیعه امامیه که بعد از امام حسن عسکری علیه السلام پیدا شدند، فرقه ای بوجود آمد که به نفیسیه خاص معروف هستند. این فرقه نیز مانند دیگر فرق به دلیل مشکلات اعتقادی و کلامی که بعد از امامت امام حسن عسکری علیه السلام در مورد امامت بعد ایشان بود، بوجود آمدند.

**اهل فترت:** عده ای بعد از شهادت امام حسن عسکری علیهم السلام به دلیل وجود اختلافات و اشکالات در مورد امامت بعد ایشان و جو سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی، قائل به «فترت»، یعنی به خالی ماندن زمان از وجود امام علیه السلام شده و به اهل فترت معروف شدند.<sup>۳</sup>

**یونسیه:** این فرقه از پیروان یونس بن عبدالرحمن قمی نمیری، از اصحاب امام رضا علیه السلام هستند. آنها معتقدند: ایمان همان معرفت خدا و خضوع و محبت قلب است و هر که این صفت را دارا باشد مؤمن است و با وجود آن ترک طاعت و گناه کردن زیانی و کیفری ندارد. یونسیه، پیروان یونس بن عبدالرحمان قمی، که از اصحاب امام رضا علیه السلام بود، این گروه را در عقیده به امامت شبیه قطعیّه دانسته اند و گفته اند اینان در تشبیه افراط میکردند و اما

۱. علم الهدی، تبصرة العوام، ص ۴۱۹.

۲. طوسی، الغیبه، ص ۳۹۷.

۳. همان، الغیبه، ص ۱۴۵-۶۳-۵۱؛ اقبال آشتیانی، خاندان نوبختی، ص ۱۶۳.



جمعی آنها را از غلاة به شمار آورده‌اند و اتهام تجسیم و تشبیه به آنها داده‌اند، این اتهامات درست نیست؛ زیرا یونس از امام رضاعلیه السلام اصول دین را فرا گرفته بود و از بزرگترین شاگردان وی بوده است.<sup>۱</sup>

**محمدیه:** این فرقه معتقد بودند که محمد، پسر بزرگ امام هادی علیه السلام که در زمان حیات آن حضرت درگذشت، امام بعد از ایشان بود. به ادعای ایشان چون امام عسکری علیه السلام به کسی وصیت نکرده بود، امامت او ساقط است و جعفر نیز چون صلاحیت امامت نداشت، نمی‌توانست امام باشد و این امر تنها در محمد پسر امام هادی علیه السلام مسلم است؛ زیرا او پسری صالح از خود باقی گذاشت که به زعم آن‌ها شایسته‌ی امامت بود و برخی از ایشان او را همان مهدی قائم می‌دانستند و گروهی مرگ او را انکار کرده و قائل به غیبت او شده بودند.<sup>۲</sup>

**قطعیه:** پیروان مفضل بن عمر که آنها را مفضلیه هم گویند، آنها معتقدند امام کاظم علیه السلام مرگش قطعی است و هیچ شک و تردیدی در آن راه ندارد و پس از او امام رضا علیه السلام را به امامت قبول دارند و پس از او به امامت محمد بن علی، علی بن محمد، حسن عسکری، محمد بن حسن قائم آل محمد (عج) نیز قائل هستند.<sup>۳</sup>

**امامیه:** گروهی که اکثریت قریب به اتفاق شیعیان را تشکیل می‌دادند که به امامت حضرت مهدی علیه السلام اعتقاد داشتند و این فرقه جریانی بود که توسط امامان رهبری می‌شد و تنها مذهبی که توانست خود را در مرکز خلافت اسلامی حفظ کند، مذهب امامیه بود که فرزند امام عسکری علیه السلام حضرت حجه بن الحسن

۱. بغدادی، فرق بین الفرق، ص ۴۳.

۲. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۸۴؛ اشعری، مقالات والفرق، ص ۱۰۹؛ طوسی، الغیبه، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۳. همان، فرق الشیعه، ص ۷۹-۸۰؛ علم الهدی، تبصرة العوام، ص ۱۷۳.



العسکری ایمان آوردند و این نشانگر آن است که اقدامات صورت گرفته توسط ائمه علیهم السلام، از چنان دقت و استحکامی برخوردار بود که باعث شد اکثریت شیعه در وادی فرقه‌ها گرفتار نشوند.

### گفتار دوم: اسباب و علل انشعابات شیعه بعد از امام رضا ع

چنانکه قبلاً اشاره کردیم بعد از امام رضا علیه السلام شیعه به گروه‌ها و فرقه‌های متعددی تقسیم شدند. دانشمندان و مورخین علل مختلفی را برای گرایش به این فرق بیان کرده‌اند. در این مقاله بطور اختصار به تبیین و بررسی مهم‌ترین موارد می‌پردازیم.

#### ۱- تقیه

جریان‌های فکری و عقیدتی متفاوت در دوران ائمه علیهم السلام فضای ذهنی را از تعارضات انباشته کرده بود و این حربه ای در دست قدرتمندان بود تا صحنه را بر علم داران معارف اسلامی تنگ و دشوار کنند و همه علوم از جمله شعر، هنر، فقه و حدیث در خدمت ارباب قدرت درآمده بود. از این رو در برابر روش سخت و موزیانه حکومت ظلم، تنها چیزی که می‌توانست مبارزه و حرکت فکری و سیاسی اهل بیت علیهم السلام و یاران صدیق آنان را مجال و استمرار ببخشد، توسل به تقیه بود. معصوم علیهم السلام با بهره‌گیری از سلاح تقیه توانستند خود و شیعیان را از گرداب خطرهای جدی که حکومت‌های وقت ایجاد کرده بودند، نجات بدهند. با توجه به همین آثار سودمند تقیه، امیرالمومنین علی علیه السلام تقیه را «رحمت الهی بر مؤمنان» خوانده‌اند.<sup>۱</sup> تقیه یکی از اصول و مبانی شیعیان در طول تاریخ اسلام به شمار می‌رود که از همان زمان ظهور اسلام به آن عمل می‌شده است. چنانچه در زمان معصومین علیهم السلام بخاطر سخت‌گیری و استبداد حاکمان وقت امام معصوم گاهی مصلحت را در خلاف واقع می‌دیدند و از باب

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۰۸.



تقیه حکم را بر خلاف واقع بیان می‌کردند و در زمان مناسب حکم صحیح را به شیعیان واقعی خود بیان می‌کردند. در حالی که گروه‌های دیگری که در تعارض با این حکومت‌ها قرار داشتند، با اقدامات حساب نشده خود را در معرض آسیب‌ها و نابودی قرار دادند. در این مورد به برخی از نمونه‌های تاریخی اشاره کنیم.

عمار که یکی از صحابه رسول خدا-صلی الله علیه و اله-در حالی که گریه می‌کردند نزد پیامبر آمد و عرضه داشت: در اثر شکنجه و آزار مشرکان، تقیه کردم و اقرار به کفر کردم. حضرت فرمودند: «اگر دوباره شکنجه ات کردند باز این کار را بکن»<sup>۱</sup> همچنین عده‌ای از شیعیان بعد از شهادت امیر المومنین علی علیه السلام به جهت فشارها و رفتارهای خشونت آمیزی که از سوی امراء و حکمرانان عامه بوجود آمده بود، خدمت امام باقر علیه السلام رسیده و در مورد مسئله ای از ایشان سوال کردند؛ اما امام علیه السلام به خاطر مشکلاتی که برای شیعیان بوجود آمده بود، تقیه نمود. جواب مساله را به گونه دیگری بیان نمودند اما شیعیان از جواب حضرت قانع نشده و بدلیل اعتقاد ضعیفی که به امام و امامت داشتند از پیروی امام علیه السلام دست کشیده و زیدی مذهب شدند.<sup>۲</sup>

از اواسط صده اول هجری که سر آغاز برخورد خشونت آمیز امویان و عباسیان بود، از یک سو شیعیان برای حفظ جان خویش و از سوی دیگر تحت نظر داشتن پیشوایان شیعه توسط خلفای اموی و عباسی سبب شد روش تقیه را در پیش بگیرند تا اینکه در زمان حیات امام صادق علیه السلام به سبب درگیری‌هایی که بین امویان و عباسیان و کاهش فشار و خفقان بر شیعیان، زمینه آزادی عمل بیشتری برای امام مساعد شد؛ لذا در این زمان شاهد انشعابات کمتری هستیم. اما

۱. امین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۳۹.

۲. اشعری قمی، مقالات و الفرق، ص ۹۸.

بعد شهادت ایشان، بخاطر نداشتن آزادی در بیان مطالب و واقعیات و اقتدار خلیفه‌های عباسی، فرقه‌های مختلفی من جمله اسماعیلیه، خطاییه، سمطیه و... بوجود آمدند. اما امامت موسی بن جعفر علیه السلام در سخت‌ترین دوران‌ها شروع شد و هیچ دورانی بعد از امامت امام سجاد علیه السلام به اندازه دوران امام کاظم علیه السلام سخت نبود چون عباسیان از اختلافات و جنگهای داخلی فارق شده بودند و به سرکوب کردن افرادی بودند که خلافت آنها را تهدید می‌کرد. به همین دلیل امام کاظم علیه السلام در سخن و عمل به اصل تقیه ملتزم بودند. آن حضرت با تاکید بر اصل تقیه، به یکی از اصحابش فرمود: «اگر در یکی از دو دستت چیزی باشد و بتوانی کاری بکنی که دست دیگری از آن آگاه نشود چنین کن».<sup>۱</sup> امام علیه السلام گاهی در عرصه عمل به اصل تقیه عمل می‌کردند. مثلاً گاهی از مواقع از خلیفه عباسی بعنوان امیرالمؤمنین یاد میکنند<sup>۲</sup> و گاهی همچون دیگران به استقبال خلیفه عباسی می‌رفتند.<sup>۳</sup> این اوضاع در زمان امام رضا علیه السلام شرایط بیان مطلب و اظهار عقیده از طرف امام نسبتاً مساعد بود و امام آزادی عمل بیشتری داشتند و لذا توانستند فعالیتهایی در زمینه گسترش فرهنگ اسلامی انجام دهند و به سبب شناساندن امام جواد علیه السلام بعنوان امام بعد از خودشان، ما شاهد انشعابات کمتری بعد از شهادتش هستیم.

اما بعد از شهادت امام رضا علیه السلام به جهت اوضاع سیاسی جامعه و اینکه حکومت عباسی به امام جواد علیه السلام فشار آورده بود و جلسات کوچک و پنهانی و مخفیانه داشتند. لذا کمتر کسی بدان اسرا آگاهی داشت. ایام حج و زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه و آله تنها و بهترین وسیله بود که امام جواد علیه السلام مستقیماً با مردم ارتباط

۱. «عن عثمان بن عیسی الکلابی: قال لی أبو الحسن موسی بن کان فی یدک هذه شیء فاستطت أن لا

تعلم به هذه فافعل» (بصائر الدرجات ص ۱۰۴)

۲. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۷۸.

۳. مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۳۴.



داشته باشد و این ارتباط در سایر ایام از طریق وکلای وی در شهرها انجام می‌شد. برخی از آنها عبارت بودند از علی بن مهزیار در اهواز<sup>۱</sup> ابراهیم بن محمد همدانی در حمدان<sup>۲</sup> امام حسن عسکری علیه السلام نیز همچون دیگر امامان علیهم السلام شش سال دوره‌ی امامتش را در تقیه و خفای شدید گذرانده بود و در این مدت فقط تعداد کمی از شیعیان امکان دسترسی به صورت مستقیم با حضرت را داشتند و بقیه شیعیان از طریق وکلای با امام ارتباط داشتند. از طرفی امام حسن عسکری علیه السلام بخاطر در خطر دیدن جان حضرت مهدی (عج) و ایجاد خفقان حاکم از طرف عباسیان از اعلام کردن امامت ایشان خودداری کردند و فقط عده کمی از نزدیکان حضرت از این مسئله آگاه بودند. از طرف دیگر همان عده از ولادت و امامت حضرت مهدی آگاه بودند، مجبور به تقیه بودند؛ زیرا از طرف حکومت عباسی اقداماتی بخاطر دست یابی به فرزند امام یازدهم انجام می‌دادند. در چنین اوضاع و شرائط مسائلی مثل جهالت، جاه طلبی و... دست به دست هم داد و زمینه را برای ظهور مدعیان دروغین و طرح ادعای امامت توسط این افراد فراهم آورد. البته در کنار این مسائل ائمه ملاک تشخیص و تعیین امام را بیان کرده بودند و آن را برای شیعیان باز گو کرده بودند و زمانی که شیعیان دچار مشکل می‌شدند به ملاکها و معیارها که از طرف ائمه قبلی گفته شده بود تمسک می‌کردند و از گمراهی و سردرگمی رهائی پیدا می‌کردند. در نتیجه سیاست تقیه امامان علیهم السلام و عدم همکاری آنان با گروه‌های فعال و تندرو علوی موجب انشعابات به گروه‌های امامی شد و اسباب زبان درازی برخی از مخالفان راه و رسم امامان شیعه را گسترده تر کرد.

۱. نجاشی، رجال نجاشی، ص ۲۵۳.

۲. طوسی، رجال کشی، ج ۱، ص ۶۱۱.

## ۲- خفقان

ائمه علیهم السلام در تمام ادوار زندگی خود به سبب محدودیت و تحت نظر بودن حکومت های ستم پیشه زمان خویش با مشکلات و فشارهای سختی دست و پنجه نرم می کردند و پیروان و علاقه مندان آنها پیوسته طرد و مورد تعقیب حکومت های وقت بودند. در نتیجه این اوضاع فرصتی بزرگ برای طالبان معرفت و تشنه کمان طریق هدایت برای بهره بردن از این سرچشمه زلال را از دست دادند و خیلی از مقالات علمی و عقیده های فکری بدون حل و فصل باقی ماند. امامان شیعه در طول دوران خلافت امویان - بعد از شهادت امیرالمومنین - و عباسیان با فشارهای سیاسی و فکری زیادی روبرو بودند و این اختناق سیاسی و اجتماعی موجب شد آنان نتوانند آنگونه که شایسته است به روشن سازی واقعیت و مصادیق واقعی امامت پردازند و این جو اختناق در نیمه قرن اول - در زمان امویان - به تعقیب شیعیان علوی پرداخت و تا جایی که توانست آنان را کشت و یا زندانی کرد. بصورتی که امام سجاد علیه السلام بخاطر این سیاست معارف شیعه را در قالب دعا بیان کردند. در نیمه دوم حضور ائمه، امامان معصوم علیهم السلام پس از حادثه خونبار کربلا با علملکرد مدبرانه خود و بخاطر آزادی نسبی که بوجود آمد شاگردان زیادی را تربیت کردند و معارف شیعه را گسترش و در مسیر رشد و ترقی قرار دادند. البته این سیاست فشار و ظلم منصور گاهی متوجه نزدیکان و اصحاب امام صادق علیه السلام می شد به صورتی که بعضی از این اصحاب مثل «سدیر، عبدالسلام بن عبد الرحمن» به زندان افتادند و بعضی هم به قتل رسیدند. ابن اثیر می نویسد «منصور، در کشتن یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید تو را می کشم آن چنان که هیچ کس را اینگونه نکشته ام.<sup>۱</sup> از سویی شدت خفقان بر جامعه به حدی بود که امام صادق علیه السلام برای معرفی وصی خود



بعنوان امام شیعیان اسم پنج نفر را در وصیت نامه ذکر می‌کند<sup>۱</sup> و این جو خفقان موجب حرکت‌ها و قیام‌هایی بر علیه آنها شد از جمله، قیام شهید فخ، قیام یحیی بن عبدالله و برادرش ادريس بن عبدالله. این اوضاع سیاسی باعث شد اصحاب نتوانند آشکارا به بیان حقایق و معارف اهل بیت علیهم السلام بپردازند.<sup>۲</sup>

در زمان خلافت هارون الرشید تند باد مصائب بشدت وزیدن گرفت و خرمن وجود علویان در این آتش کینه‌ها سوخت. لذا هارون امام کاظم علیه السلام را به بهانه این که سرپرست و رهبر علویان بود، زندانی کرد و مانع رفت و آمد شیعیان با حضرت شد. امام بخاطر اینکه ارتباط بین خود و شیعیان را حفظ کند، سازمان وکالت را تشکیل دادند. همچنین امام رضا علیه السلام بعد از شهادت پدر بزرگوارشان دچار موقعیت اسفناک و دشواری شدند که از هر جهت غم‌انگیز و موجب تاثیر حضرت رضا علیه السلام شد؛ زیرا از یک سو کوشش‌های فراوان برمکی‌ها در تحریک کردن هارون الرشید برای کشتن امام برانگیخته شد؛ اما به عللی از کشتن امام منصرف شد. از سوی دیگر شکاف عمیقی که موجب اختلاف میان اصحاب و یاران پدرش شده بود، موجب بوجود آمدن فرقه واقفیه شد. از سیاست‌های امامان در زمان اختناق خصوصا بعد امام رضا علیه السلام تربیت افراد مستعد و علاقه مند به رشد و تعالی رسالت‌های بنیادی امامان بود.<sup>۳</sup> در دوران خلافت متوکل عباسی این سیاست به بالاترین حد خود رسید و شیعیان در تنگنا قرار گرفتند. او برعکس مامون به مبارزه با معتزله پرداخت و بخاطر کینه شدید نسبت به امیرالمومنین علیه السلام موضع‌گیری شدیدی نسبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله اتخاذ کرد.

به دستور متوکل تعقیب، بازداشت و دستگیری بعضی از شیعیان و برخی از وکلای امام در بغداد، مداین، کوفه و... داده شد و عده زیر شکنجه کشته

۱. طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۲، ص ۱۳.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳.

۳. طوسی، رجال کشی، ج ۱، ص ۳۹۷-۴۰۹.

و تعدادی زندان شدند و تنها به جرم شیعه بودن.<sup>۱</sup> متوکل به منظور تضعیف جبهه تشیع و نابود ساختن نیروهای مبارز شیعه دستور داد علویان را شدیداً در محاصره اقتصادی قرار دهند. البته این سیاست فشار اقتصادی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بر اهل بیت و شیعیان سایه افکند بود.<sup>۲</sup> اگر به اطلاع متوکل میرسانند که کسی به علویان نیکی کرده، باید تاوان سنگینی را می پرداخت.<sup>۳</sup> به نقلی متوکل عباسی، نصر بن علی جهمی را به علت حدیثی که از درباره منقبت و فضیلت حضرت علی و فاطمه علیهم السلام نقل کرده بود، هزار تازیانه زد.<sup>۴</sup> یکی از راههای مبارزه حضرت جواد علیه السلام در این خفقان بوجود آمده از طرف حکومت عباسی، با ذکر دعا و مناجات مردم را در جریان تحولات و دگرگونی‌ها قرار می داد و افکار مردم را متوجه مبارزه با ظلم می نمود. ابن سکیت<sup>۵</sup> یار با وفای امام جواد و امام هادی علیهم السلام و شاعر و ادیب نام آور شیعی و معلم پسران متوکل از علمای نحو به جرم دوستی حسنین علیه السلام بشهادت رسید.<sup>۶</sup>

تلاش خلافت اموی و عباسی برای ایجاد فرقه‌های انحرافی برای دست یابی به مقاصد فرهنگی باعث شد تا اختلافات و انحرافات عقیدتی، فکری و فرهنگی در جهان اسلام بیشتر و باعث آشفتگی در جامعه شیعه شود. با وجود همه فشارهایی که بر شیعیان از طرف حکومت‌های غاصب امویان و عباسیان وارد می شد باز ائمه توانستند به مسیر خودشان ادامه دهند و یکی از مهم‌ترین ابزار ائمه در این راه، بهره گیری از وکلا و نمایندگان در مناطق مختلف، بویژه نواحی

۱. قریشی، تحلیل زندگانی امام هادی علیه السلام، ص ۴۱۵؛ جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازده هم ص ۸۳ مثل.

۲. ابن اثیر، الکامل، ج ۳، ص ۵۱۱.

۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۵۹۹.

۴. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۲۸۹.

۵. ابن سکیت، از علما و دانشمندان نامدار شیعه بوده و در اکثر علوم عصر خود تبحر داشت.

۶. ابن اثیر، الکامل، ج ۷، ص ۷۹؛ سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۳۴۸.



شیعه نشین بود. این سازمان در ظاهر برای جمع آوری وجوهات شرعی مثل خمس و زکات و نذورات بود؛ ولی در واقع وظیفه سازمان وکالت، ارتباط میان ائمه و شیعیان، از طریق ارسال نامه و پاسخ حضرات معصومین علیهم السلام و تبیین مسائل علمی و راهنمایی شیعیان و رفع اختلافات بود. همچنین امام کاظم علیه السلام برای تقویت و نهادینه سازی سازمان وکالت و بهره برداری بیشتر از آن و معرفی وکلای خود در نواحی مختلف، شیعیان را به آنها ارجاع می داد. اگرچه این ارتباط امام و شیعیان را تهدید نمی کرد؛ ولی در صورت وجود خطر این ارتباط از طریق مکاتبه و فرستادن پیک صورت می گرفت.

۷۰

### ۳- انگیزه‌های نفسانی و دنیائی

دوست داشتن دنیا به قدر معقول و مشروع که انسان را وادار به برپا کردن یک زندگی پاک و طبیعی کند امری پسندیده و شایسته است. زندگی دنیا اگر عاملش حرص و طمع باشد و باعث آلوده شدن به هر نوع مال و لذت حرام گردد، نامعقول و نامشروع و موجب خرابی آخرت و عذاب ابد می گردد. هر چند در آیات و روایات از محبت به دنیا مذمت شده است، ولیکن منظور از این رابطه با دنیا ثروت و مال و جنس نامشروع آن است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «محبت دنیا در قلبی جا نگرفت مگر اینکه آن قلب را به سه چیز دچار کرد: شغلی که رنجش پایان نگرفت، فقری که بی نیازی از آن بدست نیاید و آرزویی که به پایانش نرسد»<sup>۱</sup>. در چنین حالتی دنیا طلبان با روی آوردن به چنین دنیایی آخرتش را فروخته و مغضوب حق می گردند؛ اما ارتباط با دنیا به گونه ای که برای تحصیل مال مشروع و خرج کردن آن برای معیشت و انفاق آن در راه خدا و مواردی که مورد رضای الهی باشد هیچ وقت مغضوب الهی نبوده و آیات الهی و روایات نیز بر آن اشاره دارند. روایت از امام موسی کاظم ع: یا هشام: ای هشام

۱. «إِنَّهُ مَا سَكَنَ حُبُّ الدُّنْيَا قَلْبَ عَبْدٍ إِلَّا التَّاطُّ فِيهَا بِثَلَاثٍ: شُغْلٌ لَا يَنْقُذُ عِنَاؤُهُ، وَفَقْرٌ لَا يُدْرِكُ غِنَاهُ، وَآمَلٌ لَا يُنَالُ مُنْتَهَاهُ»



!به درستی که مثل دنیا مثل مارست که لمس کردن آن نرم است ولی در باطن سمی کشنده دارد.<sup>۱</sup>

در زمان امامان معصوم علیهم السلام نیز افرادی بودند که به دلیل همین دنیا طلبی و دنیا دوستی از راه حق منحرف شده و آخرت خویش را به دنیای فانی فروختند؛ بعنوان مثال رهبر فرقه‌های مانند ناووسیه یا خطابییه که بعد از رحلت امام صادق علیه السلام برای رسیدن به دنیا و جذب مردم به سمت خودشان از نام امام استفاده کرده، مرگ ایشان را منکر شده و ایشان را مهدی موعود معرفی کردند. عده‌ای (خطابییه) از نام فرزندش اسماعیل مایه گذاشتند، مرگش را منکر شدند و در آخر رهبران این دو گروه خود را امام معرفی کردند.<sup>۲</sup> چنانچه در بسیاری از روایات و کتب تاریخی آمده انگیزه پیدایش واقفیه و گرایش به آن ناشی از تمایلات مادی و انگیزه‌های نفسانی و دنیوی و صرفاً برای اشباع هوای نفس خود بوده؛ زیرا بعضی از نمایندگان امام اموال بسیاری را در اختیار داشتند منکر وفات حضرت شده و با وجود اینکه امام موسی کاظم علیه السلام تصریح کردند که امام بعد از او فرزندش علی (رضا) است و بر نادرستی اندیشه وقف تاکید و گروهی از اصحابش را بر این انتخاب گواه گرفت؛ مثلاً عبدالرحمن بن حجاج گفته است: «موسی بن جعفر علیه السلام فرزندش رضا را وصی خود قرار داد و شصت تن از بزرگان اهل مدینه را بر آن گواه گرفت.»<sup>۳</sup> در جای دیگری کردار واقفیان باعث بر آشفته شدن امام رضا علیه السلام علیه یکی از سران واقفی شده است که نشان از انگیزه نفسانی بوده است. مانند علی بن حمزه بطائنی که سی هزار دینار نزدش بود. امام رضا علیه السلام در مبارزه با واقفیه رنج فراوانی تحمل نمود و از انگیزه‌های شیطانی و هوسهای نفسانی آنها پرده برداشت و آنها را در پیش همه رسوا کرد. از بطائنی

۱. «ان مثل الدنيا مثل الحیة مسها لین، و فی جوفها السم القاتل».

۲. طوسی، رجال کشی، ج ۱، ص ۸۰.

۳. ابن بابویه، عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۲۸.

نقل شده که گفته است: «به موسی بن جعفر عرض کردم: پدرت ما را از جانشین پس از خودش خبر داده، کاش شما هم خبر می دادی. بطائنی گفت، امام دست مرا گرفت و فشار داد و سپس فرمود: «و ما کان الله لیضل قوما بعد از هدام حتی ببین لهم ما تتقون ...»<sup>۱</sup> گویی امام آینده را از نظر می گذراند و به پایان کار این مرد و افتادن در عمق پرتگاه ضلالت و گمراهی می نگرد.

بعد از زمان امام رضا علیه السلام نیز افرادی به خاطر دوستی دنیا و نداشتن اعتقاد کافی به دین و دیانت و انگیزه های مالی و ریاست طلبی افرادی را به دور خود جمع می کردند و از این فرصت کمال را استفاده می کردند. در زمان امامین عسکرین علیهم السلام تا حد زیادی ارتباط بین امام و مردم بدلیل فشار دشمن بر امامت شیعه قطع شد. این در حالی بود زمان ولادت منجی عالم بشریت نزدیک می شد و این کنترل شدید از سوی حکام وقت، زمینه ای شد برای عده ای فرصت طلب و بی ایمان که به فکر شیادی افتادند و خود را بعنوان وکیل امام علیه السلام مطرح کردند و اموال مردم را به تاراج بردند.

#### ۴- وجود غالیان

از دیگر علل بوجود آمدن فرقه ها، گروهی ناپاک و از دین برگشتگان بودند که در صف شیعیان رخنه کردند و آتش فتنه را برافروختند و به جنگ اسلام برخاستند و تمام ارزشهای و تعلیمات اسلامی را ویران و بدعتها را در میان شیعیان راج دادند و این گرفتاری ها توسط افراد ساده لوحی بود که حق و باطل را از هم تشخیص نمی دادند. غالیان در آغاز تنها به غلو درباره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه پرداختند و آنها را در عرض خداوند قرار دادند و برای آنان صفت الوهیت قائل می شدند؛ ولی بعد از قرن دوم هجری بعضی از فرقه های غالیه مطالب غلو آمیز خود را به سیاست آمیخته و با حکومت های امویان و عباسیان به مخالفت

۱. خداوند پس از آن که قومی را هدایت کرد دیگر گمراه نمی کند تا آنچه را باید از آن بپرهیزد، برای آنان بیان کند-تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۵.

برخاستند.<sup>۱</sup> انگیزه‌های مختلفی را می‌توان برای غلو و اعتقاد به اینکه امام، خدا و آفریدگار عالم هستی است برشمرد:

اولاً بخاطر اینکه از امام معجزاتی و کراماتی ظاهر می‌شد و افراد شیاد برای رسیدن به مال دنیا و نفوذ در بین مردم و طمع در اموالشان و اموالی که شیعیان به امامان می‌پرداختند، بخاطر جهل و ناآگاهی مردم، می‌توانستند رایگان بدست بیاورند. مانند ابوالخطاب اسدی

ثانیاً جعل حدیث نیز از خطرناکترین مکانیسم‌های غالیان در راه ضربه‌زدن به شیعه اصیل بود و از کسانی که سرسلسله این عمل ناجوانمردانه مغیره بن سعید بود. از آنجا که این گروه مطرود جامعه شیعه بودند و ائمه اطهار-علیهم السلام- به شدت با چنین عقائدی مبارزه می‌کردند. خصوصاً در مورد علی علیه السلام که بنا بر نقل شیخ طوسی بعد از جنگ جمل، هفتاد نفر از اهل بصره بنام کولی‌های هندی، خدمت حضرت رسیدند و بر او سلام کردند. حضرت به زبان آنها جواب داد و با آنها گفتگو کرد و آنان نسبت به ایشان، غلو کردند و انگاه ادعای الوهیت امام علیه السلام را مطرح کردند. حضرت از آنان خواست توبه کنند ولی آنها نپذیرفتند و حضرت آنان را با آتش سوزانید.<sup>۲</sup>

در زمان امامت حسنین علیهم السلام هیچ نوع غلوی درباره ائمه یا شخصیت‌های دیگر نیست و آن بخاطر شدت اختناق به وسیله امویان بود؛ اما بعد امام سجاد علیه السلام و قیام مختار این افکار در جامعه رواج پیدا کرد. افراد سودجو سوء استفاد کردند و افراد را منحرف می‌کردند؛ اما زمان صادقین علیهم السلام نقطه عطف در تاریخ غلو بخاطر اینکه عقیده به الوهیت اشخاص در میان غالیان مطرح شد و این دو وجود بزرگوار در میان برخی جریانهای غالی مطرح شدند.

۱. امین، دائرة المعارف الاسلامیه، ص ۱۴.

۲. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۲۳.



از مهم‌ترین و خطرناک‌ترین غالیان زمان امام صادق علیه السلام محمدبن مقلاص اسدی کوفی معروف به ابوالخطاب بود و از مشهورترین غالیان دوران امام کاظم علیه السلام محمد بن بشیر اسدی است که در ابتدا از اصحاب امام بود و سپس شروع به دروغ بستن به آن حضرت شدند و پس از وفات وی قائل به زنده بودن و مهدویت حضرت شدند و خود را جانشین امام علیه السلام در دوره غیبت دانستند.<sup>۱</sup> یونس بن ظبیان یکی از غالیان زمان امام رضا علیه السلام است که خود را پیرو ابوالخطاب می‌دانست و هنگامی که زینب دختر ابوالخطاب از دنیا رفت بر سر قبر او حاضر شد و گفت: السلام علیک یا بنت رسول الله.

امام جواد علیه السلام در نفرین بر ابوالخطاب فرمود: «خداوند ابی الخطاب و اصحاب او را لعنت کند و از رحمتش دور دارد و شک کنندگان و هر که در این امر توقف کند و در آن شک کند را لعنت نماید».<sup>۲</sup> یکی از سران خطرناک و گمراه کننده غلات، علی بن حسکه قمی بود که امام هادی علیه السلام را خالق و مدبر جهان می‌دانست و خودش را فرستاده از جانب خدا می‌دانست. امام علیه السلام در پاسخ سوال یکی از شیعیان درباره «ابن حسکه» او را لعنت کردند و از او بیزاری جستند.<sup>۳</sup> همچنین امام هادی علیه السلام به شیعیان دستور دادند فارس بن حاتم را بکشند و برای قاتل آن بهشت را ضمانت کرد و فرمود: «این فارس به دروغ از طرف من عمل می‌کند و مردم را به بدعت دعوت می‌کند، خون وی هدر است، پس کیست که مرا از دست او آسوده سازد و او را بکشد و من در نزد خدا بهشت را برای او ضمانت کنم».<sup>۴</sup> فارس بن حاتم قزوینی از غلات زمان امام هادی و

۱. اشعری قمی، مقالات و الفرق، ص ۸۳؛ نوبختی، فرق الشیعه ص ۹۳.

۲. لعن الله ابا الخطاب و لعن اصحابه و لعن الشاکین فی لعنه و لعن من قد وقف فی ذلک و شک فیہ (صحیفه امام جواد علیه السلام، ص ۹۲).

۳. طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۱۹، ج ۹۹۷؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، کتاب حدود، باب ۷، ص ۵۵۴.

۴. طوسی، رجال کشی، ج ۱، ص ۳۰۰.

امام حسن عسکری علیه السلام بود که در زمان امام هادی علیه السلام مورد لعن آن حضرت قرار گرفت.<sup>۱</sup> لذا به علت شدت اختناق حاکم در زمان امام حسن عسکری علیه السلام و عدم ارتباط کامل امام با شیعیان، بازار غالیان رونق یافت و افراد فراوانی به فعالیت مشغول شدند. نکته جالب اینکه غالیان میدان فعالیت خود را به شهرهای داخلی ایران مثل قم سرایت دادند و حتی افرادی مانند احمد بن عیسی قمی که یک شخصیت بزرگی بود، تعیین تکلیف از امام حسن عسکری علیه السلام نسبت به غلوهایی که به ائمه نسبت می‌دادند، کرد.

در دوره غیبت صغرای امام زمان (عج) می‌توان به محمد بن نمیر نصیری اشاره کرد که از اصحاب امام هادی علیه السلام بود و ادعای نبییت و نیابت و سپس ادعای پیامبری نمود و سرانجام ادعای خدائی نمود.<sup>۲</sup> ویژگی که دوره غیبت صغری داشت این بود که به واسطه غیبت امام عصر (عج) و جا افتادن منصبی بنام نبییت امام علیه السلام خیلی از کسانی که از شخصیت‌های شیعه بودند ادعای غلو آمیز و نبییت کرده و به این بهانه عده ای از مردم را به خود جذب کردند. از این شخصیت‌های شیعه، محمد بن علی شلمغانی است که از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام منتظر نبییت بود ولی چنین منصبی به او واگذار نشد و اعتقاد به خداوندی ائمه همچون امام حسن و حسین علیه السلام شد. حسین بن روح او را لعنت کرد.<sup>۳</sup>

#### ۵- مهدویت

موضوع مهدویت و ظهور و قیام فردی از خاندان پیامبر با عنوان «مهدی موعود» از دیر باز و قبل از شکل‌گیری فرقه‌های شیعی در میان مسلمانان مطرح بوده است. چنین باوری برخاسته از احادیث فراوانی از پیامبر گرامی اسلام و

۱. همان، ص ۳۲۸-۳۲۹.

۲. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۱۰۲-۱۰۳؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۳۲۵.

۳. اقبال آشتیانی، خاندان نوبختی، ص ۲۲۸-۲۲۶.

ائمه اطهار علیهم السلام است که در باب ظهور مهدی موعود بیان کرده‌اند. معصومین علیهم السلام در بیانات خویش تا حدود زیادی به بیان ویژگی‌های عصر ظهور پرداخته بودند، اما با وجود این بیانات بسیاری از مسلمانان و افراد سودجو با استناد به همین روایات و شبهات در زمینه مهدویت، همواره بر سر تعیین مصداق آن در عصرهای مختلف اختلاف کرده و در پی اهداف و خواسته‌های خود بودند و لذا گاه و بیگاه این روایات را با افرادی از خاندان اهل بیت تطبیق می‌دادند و در برخی موارد هم با این که این افراد با علم به کذب بودن این ادعاها از این جریانات پیروی کرده، دست به قیام می‌زدند و تشکیل حکومت می‌دادند. این اندیشه و انتظار ظهور در بین شیعیان بیش از همه به دلیل مشکلات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی که حاکمان وقت برای آنها به وجود آورده بودند، بروز و ظهور داشت و با توجه به چنین ذهنیتی، همیشه در انتظار شخصی بودند که بیاید و فساد را از بین ببرد و جهان را پر از عدل و داد کند. لذا بعد از درگذشت هر یک از امامان، عده‌ای از پیروان و شیعیان ضعیف‌الایمان با انکار رحلت آن امام و معتقدشدن به اینکه امام بعد از رحلتش دوباره به زمین بر می‌گردد و وظیفه قائم به شمشیر بودن خود را تمام خواهد کرد؛ امامت امام بعدی را انکار می‌کردند. بعنوان مثال برخی از سران واقفیان به یونس بن عبدالرحمن و صفوان بن یحیی از صحابه بزرگ امام کاظم و امام رضا علیهم السلام پیشنهاد دادند در صورت رهاکردن امام رضا علیهم السلام و انتقاد نکردن از آنها هدیه بسیاری دریافت نماید.<sup>۱</sup> با بررسی تاریخی برخی از انشعابات شیعه مانند کیسانیه، ناووسیه، اسماعیلیه و... روشن می‌شود که پایه و اساس شکل‌گیری این فرقه‌ها همین اندیشه بوده است. نوبختی در فرق الشیعه بیان می‌کند که آنچه از همه بیشتر اسباب انشعابات علوی به دو شاخه حسنی و حسینی را فراهم ساخت، ادعای خارج از ظرفیت عبدالله

محض بود. وی برای فرزندش محمد بن عبدالله معروف به نفس زکیه با عنوان قائم آل محمد بیعت گرفت و ادعای مهدویت وی را مطرح ساخت و این انتظار قائم و منجی بودن نفس زکیه چنان در میان شیعیان رسوخ کرده بود که بعد از کشته شدن وی معتقد بودند که زنده است و به زودی ظهور خواهد کرد.<sup>۱</sup> همچنین نوبختی می‌گوید: «بعد از مرگ امام باقر علیه السلام عده ای از یاران امام قائل به مهدویت نفس زکیه می‌شوند و عده ای قائل به مهدویت خود حضرت می‌شوند.»<sup>۲</sup>

یا در زمان امام صادق علیه السلام که شروع امامت ایشان با قیام و انقلاب مردمی علیه حکومت غاصب و ظالم امویان بود با درگذشت امام عده ای با انکار مرگ وی و با تکیه بر روایات متشابه، وی را مهدی قائم دانستند.<sup>۳</sup> کما اینکه پس از شهادت امام موسی کاظم نیز نتیجه این اندیشه (انتظار) آشکارتر شد چرا که علاوه بر شهادت غریبانه موسی بن جعفر، اخباری مبنی بر قائم بودن آن حضرت رسیده است و همین مسئله باعث شد حسن بن حسن از امام بپرسد که آیا شما قائم هستید؟ امام کاظم علیه السلام در پاسخ فرمودند: «تمام ائمه در زمان خود قائم به امر امامت هستند تا این امامت را به بعدی بسپارد و جانشین من فرزندم علی است.»<sup>۴</sup> ابو حاتم رازی در گزارش خود از عقاید واقفیه می‌نویسد: «به گمان آنان موسی زنده است و نمی‌میرد و همان قائمی است که زمین را پر از عدل می‌کند، و این موجب پیدایش فرقه ای بنام واقفیه شد.»<sup>۵</sup>

۱. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۶۲؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۸۳-۳۸۶.

۲. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۹۴-۹۶.

۳. همان، ص ۱۰۰.

۴. طوسی، الغیبه ص ۲۸، ۲۷.

۵. ابو حاتم رازی، گرایش‌ها و مذاهب اسلامی...، ص ۲۹۰.

امام هادی علیه السلام با توجه به آگاهی‌هایی که از تحولات دوران خود و فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام داشت و می‌دانست مهدی علیه السلام غیبت خواهد کرد، یکی از محورهای فعالیت خود را آماده کردن اذهان شیعیان نسبت به غیبت نوه بزرگوارش حضرت مهدی علیه السلام قرار داد. البته تلاش‌های امام در این زمینه در شعاعی محدود و در نهایت دقت و احتیاط انجام می‌گرفت و سعی کردند هیچ مشخصه‌ای از حضرت مهدی علیه السلام بازگو نشود تا مبادا به گوش حکمرانان عباسی برسد. پنهان داشتن نام امام زمان علیه السلام و ناآگاهی دولتمردان عباسی از نام آن حضرت موجب شد که آنان در سردرگم و باعث شد پس از شهادت امام عسکری علیه السلام برادرش جعفر را بعنوان وارث قلمداد کنند.

#### ۶- سیاست حصر

یکی از سیاست‌های که خلفای عباسی بعد از هارون الرشید برای دستیابی به مقاصد و اهداف خود اجرا کردند، سیاست حصر بود. خلفای عباسی در این دوران با توجه به تجربه‌های قبلی فهمیده بودند که امامان شیعه هوای حکومت رانی را بر سر ندارند. هر چند که زمینه برای آنها فراهم نبود. لذا حاکمان توانستند با تقدس ظاهری و زیرکانه امامان معصوم علیهم السلام را در پایتخت محصور کرده و زیر نظر داشته باشند و پیروان ائمه یا مورد تعقیب بود و یا کشته می‌شد. این سیاست ارتباط مستقیم شیعیان را با امامان علیهم السلام کاهش داد. مامون درباره امام رضا علیه السلام همین سیاست را در پیش گرفت. او با انتصاب امام بعنوان ولیعهد و تزویج دخترش به وی، ضمن تقویت رابطه اش با امام، میان علویانی که قصد قیام علیه حکومت داشتند، شکاف ایجاد کرد.

احضار امام رضا علیه السلام از مدینه به مرو و اجبار به ماندن امام از جمله این موارد است. بخاطر اینکه امام در مدینه فعالیت فرهنگی در جهت گسترش تشیع



انجام می‌داند و این به مذاق مامون خوش نیامد. لذا مامون پس از رویارویی با این اوضاع وخیم، احساس نگرانی کرده و نقشه شوم خود را پی ریزی و انجام داد. آن دعوت کردن پیشوای هشتم شیعیان به مرو و تحمیل ولایت‌عدی به امام علیه السلام بود. این تصمیم مناسب‌ترین و سنجیده‌ترین طرحی بود که در آن شرایط می‌توانست حکومت خود و عباسیان را از خطرات حفظ کند. مامون چون در میان یک سلسه مشکلات و تنگناها و شرایط سیاسی قرار گرفته بود و از سویی نتوانست سیاست‌های بعدی خود را اجراء کند، لذا امام علیه السلام را شهید کرد و در ادامه سیاست‌هایش با تظاهر به مهربانی و دوستی نسبت به امام جواد علیه السلام دختر خود را به حضرت تزویج کرد و لذا امام جواد علیه السلام یک سال بعد شهادت پدر بزرگوارشان، از مدینه به بغداد منتقل و تحت نظر حکومت قرار گرفتند. سیاست حصر و محدودیت و تحت نظر بودن ائمه از سوی خلفای عباسی در دوره امامت امام حسن عسکری علیه السلام ادامه یافت و ایشان در سامرا ملزم بودند هر هفته در کاخ خلیفه حاضر شوند.<sup>۱</sup> برخورد خلفا در این دوره با امامان، اگرچه با احترام ظاهری همراه است. با این حال این احترام ظاهری را نمی‌توان به حساب توجه و دلسوزی آنها به مکتب اهل بیت علیهم السلام گذاشت. چرا که بر اساس گزارشهای تاریخی اگر شورشی توسط علویان بر علیه دستگاه خلافت صورت می‌گرفت، از بازجویی و زندان بی نصیب نبودند.

### نتیجه گیری

امامان شیعه در دوران حاکمیت امویان و عباسیان و اوج خفقان و فشارهای سیاسی با دو مشکل مهم سیاسی و فکری روبرو بودند. مشکل حساسیت و رقابت دستگاه خلافت عباسی از یک طرف و بازار گرمی رقیبان فکری مکتب اهل بیت از طرف دیگر آنان را مجبور ساخت تا در قبال هر یک از دو پدیده، سیاستی

۱. جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۸۷.

مناسبی همراه با احتیاط پیش گیرند و این سیاست در دوران امام رضا علیه السلام و بعد از شهادت ایشان شرائطی در جامعه بوجود آمد که زمینه بروز انحرافات فرقه ای را در جامعه مساعدتر شد. البته حضور ائمه علیهم السلام مانع گسترش و پیشرفت این فرقه ها می شد؛ زیرا راهنمایی مردم توسط ائمه موجب دوری از انحرافات بود؛ اما بنابر دلائل سیاسی و اجتماعی و از همه مهمتر حصر ناخواسته و مرگ زود هنگام هر یک از ائمه، نتوانستند مکتب خود را در سطح وسیعی سیاسی و اجتماعی، آنگونه که شایسته و مورد انتظار بود تجلی ببخشند. لذا افراد سو جو و دنیا گرس از این موقعیت سو استفاده کردند و فرقه‌هایی را بوجود آوردند.

## فهرست منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۹۶۶م.
۲. ابن منظور، لسان العرب، بی جا: نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، تحقیق خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸م.
۴. ابو عمرو محمد بن عمر، طوسی، رجال کشی، تصحیح میرداماد استرآبادی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۴ق.
۵. ابو الفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبین، تحقیق احمد صقر، بیروت: علمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۶. اربلی، علی بن ابوالفتح، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت: دارالضواء، ۱۴۰۵ق.
۷. اشعری قمی، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، تصحیح محمد مشکور، تهران: علمی و فرهنگی، [بی تا].
۸. اقبال آشتیانی، عباس، خاندان نوبختی، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۴۵ش.
۹. ابو حاتم رازی، احمد بن حمدان، گرایش ها و مذاهب اسلامی در سه قرن نخست، بی جا: مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ش.
۱۰. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق، حسن امین، بیروت: دارالتعارف و للمطبوعات، [بی تا].
۱۱. --- سید حسن، دایره المعارف الشیعه، بیروت: دارالتعارف، ۱۸۸۱ق.
۱۲. باقر شریف قریشی، تحلیل زندگانی امام هادی، ترجمه عطائی، مشهد: کنگره جهانی، ۱۳۷۱ش.
۱۳. بغدادی، عبدالقادر، الفرق بین الفرق، تحقیق شیخ ابراهیم رمضان، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۵ق.
۱۴. حلّی، حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، بی جا: المطبعه الحیدریه، ۱۳۷۰ق.
۱۵. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بغداد: دارالفکر، بی تا.
۱۶. جاسم، حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه محمدتقی آیت الهی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۷ش.
۱۷. راغب اصفهانی، حسن بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، مترجم غلامرضا خسروی، بی جا: مرتضوی، ۱۳۶۹ق.
۱۸. طبرسی، اعلام الوری و اعلام هدی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۷ق.
۱۹. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، الملل و النحل، تحقیق محمد بن بدران، قم: رضی، ۱۳۶۳ش.
۲۰. صدوق، محمد بن علی، عیون الخبار الرضا، تصحیح حسین الاعلمی، بیروت: علمی للمطبوعات، ۱۴۰۴.
۲۱. -----، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰ش.



۲۲. علم الهدی، تبصرة العوام فی معرفه مقالات الانام، تحقیق عباس اقبال آشتیانی، بی جا: اساطیر، [بی تا].
۲۳. طوسی، محمدین حسن، الغیبه، تحقیق محمد صادق موسوی، بی جا: نعمان شریف، ۱۳۸۵ش.
۲۴. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت: دار صعب، ۱۴۰۱ ق.
۲۵. فقیهی، علی اصغر، آل بویه و اوضاع زمان ایشان، بی جا: صبا، ۱۳۵۷ش.
۲۶. لیثی، سمیره مختار، جهاد الشیعه فی العصر العباسی الاول، بی جا، بی نا، ۱۳۶۳ ش.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۸. مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، قم: دارالحدیث، [بی تا].
۲۹. -----، تصحیح اعتقادات الامامیه، تحقیق حسین درگاهی، بی جا: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۳۰. نوبختی، حسن بن موسی، الفرق الشیعه، ترجمه محمد جواد مشکور، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ش.
۳۱. نجاشی، احمدبن علی، رجال نجاشی (فهرست اسماء مصنفی الشیعه)، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۴ش.
۳۲. یعقوبی، احمدبن محمد بن واضح، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر، [بی تا].